فرهاد مهندس‌پور

زنانگی و روایت‌گری در هزار و یک شب

www.ketab.ir

نشر نی

www.ketab.ir

سرشناسه: مهندس‌پور، فرهاد، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور: زنانگی و روایت‌گری در هزار و یک شب/ فرهاد مهندس‌پور.
مشخصات نشر: تهران: نشر نی، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۴۱۱ ص.
شابک: 978-964-185-231-5
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
موضوع: هزار و یک‌شب - نقد وتفسیر: زنان در ادبیات: روایت‌گری
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۹ ز ۹ م / PJA ۳۴۸۶
رده‌بندی دیویی: ۸۹۲/۷۳۳۴
شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۵۶۲۸۱

نشر نی

زنانگی و روایت‌گری در هزار و یک شب
فرهاد مهندس‌پور

ویراستار رویا رضوانی
چاپ اول تهران، ۱۳۹۰
تعداد ۱۰۰۰ نسخه
قیمت ۸۶۰۰ تومان
لیتوگرافی باختر
چاپ و صحافی سپیدار
ناظر چاپ بهمن سراج

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازهٔ مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۵ ۲۲۱ ۱۸۵ ۹۶۴ ۹۷۸

www.nashreney.com

www.ketab.ir

فهرست مطالب

پیش‌درآمد ۹

فصل یکم: در جست‌وجوی نشانه‌هایی از شهرزاد روایت‌گر ۲۱

در جست‌وجوی بنیاد اسطوره‌ای ۲۷

در جست‌وجوی بن اندیشه‌ها ۲۹

در جست‌وجوی بنیانِ نبرد اسطوره‌ای ۳۴

آشفتگی در زبان ۳۵

آشفتگی در روابط زناشویانه ۳۷

جست‌وجو در پاره‌ای از متون اوستایی ۳۹

تیر یشت ۳۹

زامیاد یشت ۴۰

اَرت یشت ۴۲

اشتاد یشت ۴۴

آبان یشت ۴۵

وندیداد ۴۷

زند ۵۶

گاهان ۵۹

www.ketab.ir

بازگشت به بن‌اندیشه‌ها ۶۱
پی‌نوشت‌های فصل یکم ۶۴

فصل دوم: گفت‌وگو و روایت‌گری ایرانی ۸۱
فن گسست ۸۲
فن گفت‌وگو ۹۳
فن گسست به چه کار می‌آید ۹۶
گسست و زمان ۹۸
گسست، و منطق ارتباطی ۱۰۲
گفتار بد، گفتار نیک ۱۰۵
گفتار روز، گفتار شب ۱۰۹
گفتار مرد، گفتار زن ۱۱۳
همانندی روایت دینی و حماسی ۱۱۶
همانندی روایت دینی و روایت شهرزاد ۱۲۰
روایت شهرزاد ۱۲۶
روایت‌گر، روایت‌گیر و زمینهٔ روایت ۱۲۹
همانندی راویان ۱۳۹
پی‌نوشت‌های فصل دوم ۱۴۵

فصل سوم: روایت‌گری در هزار و یک شب ۱۴۹
زمینهٔ پیش‌داستان ۱۵۰
جهانِ وارونه ۱۵۳
قدرت‌های پنهان در جهان وارونه ۱۵۸
جهان وارونه، جهان بدل‌پوش ۱۵۹
روایت، همپرسگی، پری‌خوانی ۱۶۳
وزیر، پری، تقلید ۱۶۵
حکمتِ آغازین ۱۷۲
حکمت زندگی، حکمت مرگ ۱۷۳

www.ketab.ir

اطلاعات یا ارتباط ۱۷۹
راز جهانِ وارونه ۱۸۲
چرا کسی داستان‌گویی می‌کند ۱۹۰
ساختار روایت ۱۹۵
گونه‌های گفتار ۱۹۹
چند ویژگی روایی ۲۰۲
پی‌نوشت‌های فصل سوم ۲۰۹

فصل چهارم: ریختار روایی هزار و یک شب ۲۱۱

فصل پنجم: زنان در هزار و یک شب ۲۷۷
زنان در داستان‌ها چه می‌کنند ۲۷۸
تشخص ۲۷۹
زن، مادر ۲۸۳
زن مظهر عشق ۲۸۷
آزمون ۲۸۹
زن بدون مرد ۲۹۴
زن مادر، مرد پدر ۲۹۷
مرد در طلب زن ۳۰۱
زن در طلب مرد ۳۰۲
زن، راز ۳۰۴
شهرزاد روایت‌گر چه می‌کند؟ ۳۰۷
آشفتگی و آزمون ۳۱۲
فهرست گوناگونی زنان هزار و یک شب ۳۱۷
زنان کنشگر نیکوکار ۳۱۷
زنان کنشگر بدکار ۳۲۴
زنانی که ناخواسته بدکنش یا کنش‌گیرند ۳۲۷
زنان بی‌کنش ۳۳۰
پی‌نوشت‌های فصل پنجم ۳۳۱

www.ketab.ir

کتاب‌نامه ۳۳۵

پیوست‌ها ۳۴۱
پیوست «الف»: پاره‌هایی از تیر یشت ۳۴۱
پیوست «ب»: نیرنگ ۳۴۹
پیوست «ج»: زن، سخن ۳۵۳
پیوست «د»: چند داستان ۳۶۳
پیوست «ه»: وزیران ۳۸۹
پیوست «و»: بدل‌پوشی ۳۹۷

www.ketab.ir

پیش‌درآمد

جهان *هزار و یک شب* شگفت‌انگیز است چون جانداران در آن هستی ماندگار، همیشگی و یگانه‌ای ندارند، و تن و روان آدمیان می‌تواند به‌صورت‌هایی گوناگون نمودار شود و در شکل‌های بسیاری حلول کند؛ به‌صورت پریان، حیوانات و غول‌ها. در *هزار و یک شب* دعاها و نفرین‌ها کارگر می‌شود و پادافره و پاداش کردارها بسیار زودتر از آن‌که ما در جهان خود چشم‌به‌راه آن هستیم، به آدمیان بازمی‌گردد. آموخته‌ها و تجربه‌ها با سختی به‌دست می‌آیند. آن‌چه قهرمانان فراچنگ می‌آورند اغلب ماندگار نیست و دیری نمی‌پاید. اگر خشونت و بی‌رحمی سر برآورد، به تندی سرکوب می‌شود.

در این جهانِ شگفت‌انگیز گدایان شاه می‌شوند و نیکوکاران علی‌رغم همهٔ نیرنگ‌ها، رشک‌ها و جادوها، به آن‌چه سزاوار آن‌اند دست می‌یابند. عشق دمِ دست است و وصال در دور دست. پس سفرهای دراز در بیابان‌ها و دریاها و سرزمین‌های نادیده و جاهایی در درون زمین یا زیر آب‌های ژرف، با همهٔ خطرناکی و ناشناختگی‌شان، برای جست‌وجوگران عشق، در همان دم که تصمیم می‌گیرند یا ناگهانی واله و شیدا می‌شوند، آغاز می‌گردد.

این سفرهای گوناگون و طولانیِ مردانِ در جست‌وجوی زنان را شهرزاد برای شاهی روایت می‌کند که از دیدن او عاجز است. زیرا تا پایان *هزار و یک*

www.ketab.ir

شب، شاه حتی نام شهرزاد را نمی‌داند و هرگاه که در خودگویی‌هایش، به شهرزاد اشاره می‌کند با واژهٔ «این» یا «این دختر» از او یاد می‌کند؛ تنها یک بار در پایان دومین دورهٔ آزمون، در شب صد و چهل و هشتم، رودررو با او گفت‌وگو می‌کند.

هر چند افسون و جادو در *هزار و یک شب* شگفتی‌آفرین‌اند، هرگز جایِ توانایی‌ها و کنش‌های قهرمانان را نمی‌گیرند. بدکاران با تکیه بر نیرنگ‌ها و عفریت‌ها کاری از پیش نمی‌برند، زیرا همهٔ جادوی عفریتی آنان در برابر خواسته و کردار قهرمانانْ کوچک و ناچیز است.

شهرزاد مظهر زنانگی در جهانی است که زیبایی، دوشیزگی و زنانگی‌اش برای زنده‌ماندن در آن بسنده نیست. جهانی که در آن شاه هر شب زنی را به حجله می‌آورد و بامداد به جلادش می‌سپارد. شهرزاد می‌داند پدرش هر روز باکفنی در دست به دربار می‌آید تا زنانگی کشته‌شدهٔ دخترش را باز پس گیرد. برای او روشن است که زنانگی او در زن‌بودنِ او نیست. زیرا معنای زن‌بودن برای شاهِ زن‌کش، تنها در لحظهٔ کوتاه برداشتن دوشیزگی است و بس. پس از زنانگی چه طرفی می‌توان بست هنگامی‌که زن‌بودن به‌معنای زنده‌بودن نیست؟ شهرزاد پیوسته از زبان زنان و مردان داستان‌هایش فریاد برمی‌آورد که: «دوستت دارم»، ولی می‌داند که این آواز راگوش شنوایی نیست. همین شهرزاد ناچار است بارها و بارها، نه از زبان داستان، که در خوابگاه ملک تکرار کند که: «مرا نکش تا حدیثی خوش‌تر بگویم»، و ملک این صدا را می‌شنود. از این‌رو، شهرزاد می‌داند که در این جهان هستنِ او ارتباطی با زیبایی، هوش‌ربایی و زنانگی‌اش ندارد، و تقویم روزشمار [یا درست‌تر: شب‌شمار] زندگی‌اش وابسته به داستان‌گویی اوست. پس شهرزاد همهٔ این زیبایی، هوش‌ربایی و زنانگی را در روایت‌گری‌اش می‌آمیزد و با روایت داستان‌های بلند و دنباله‌دار، از شبی به شب‌های دیگر، تا هزار و یک شب بر گاه‌نامهٔ زندگی خود می‌افزاید. ولی آیا شهرزاد می‌تواند تا ابد داستان بگوید؟ هرگز، او روایت‌گری را تا آن‌جا ادامه می‌دهد که بتواند دوباره به زنانگی‌اش

www.ketab.ir

بازگردد ـ به‌صورتِ غیرروایی و جسمانی زنانگی‌اش. به این‌ترتیب، *هزار و یک شب* دستاورد زنانگی روایی‌شدهٔ شهرزاد است.

ایدهٔ محوری این پژوهش، خاستگاه همین سازوکار زنانگی و روایت‌گری در *هزار و یک شب* است. چگونگی روایت‌گری شهرزاد، پدیده‌ای جدای از شرایط او نیست. شهرزاد چه آن‌جا که خودش رودررو راوی داستان است و چه آن‌جا که روایت را به دیگری وامی‌گذارد یا در فرآیند همزمانیِ روایی[1] همراه با اشخاصِ داستان به روایت‌گری می‌پردازد، در هر فاصله‌ای که از روایت قرار گرفته باشد، روایت همواره به او بازمی‌گردد و سرنخ جریان روایی در دست اوست. به این‌ترتیب، شهرزادِ نشسته در خوابگاه (مسلخ) راوی آشکار و پنهان همهٔ داستان‌هاست و اگر او را فراموش کنیم که هر بامداد لب فرومی‌بندد که دریابد کشته خواهد شد یا زنده خواهد ماند تا دنبالهٔ داستانش را بگوید، همانندی «نبرد برای زنده‌ماندن» و «کنشِ روایت‌گری زنانهٔ» شهرزاد را از یاد برده‌ایم. این‌که شهرزاد چرا، و چگونه *هزار و یک شب* را می‌سازد و روایت می‌کند، وابسته به شرایطی است که او خودخواسته در آن قرار گرفته است.

کسی مانند زوزانه اندرویتس[2] نقش‌های چندگانهٔ شهرزاد را این‌چنین بیان می‌کند: «شیرزن، روایت‌گر، زن» (Enderwitz, 2004: 192) که باید به این مجموعه مادربودن را نیز افزود. زیرا در همین هزار و یک شب، شهرزاد سه بار مادر می‌شود و سه فرزند می‌زاید. مادربودن آخرین چهره‌ای است که ملک از شهرزاد می‌بیند و شهرزاد با نشان‌دادن فرزندان ملک به او، ملک را به زنانگی غیرروایی خودش، به موجود زنده‌ای که سه فرزند زاییده است، بازمی‌گرداند. پایان داستان در شب هزار و یکم برای ملک، همزمان است با آگاهی‌یافتنِ او از مادرشدنِ شهرزاد، و پدرشدن خودش. هر چند که این مادر و پدرشدن چنان در لابه‌لا و تودرتوی جادوی داستان‌ها رخ داده

---

1. Diegetic Synchrony
2. Susanne Enderwitz

www.ketab.ir

است که ملک را شگفت‌زده می‌کند، گویی این داستان خود اوست در واقعیتِ غیر داستانی هزار و یک شب؛ داستان رابطهٔ او با شهرزاد است در هزار و یک شبی که در سفرش با قهرمانانِ داستان‌های شهرزاد، آن را درنیافته است.

این پژوهش در جست‌وجوی بن‌اندیشه‌های *هزار و یک شب* و ساختار زنانهٔ داستانی و روایی آن، به نمونه‌هایی از کهن‌ترین روایت‌های دین ایرانی، در یادگار نوشتارهای اوستایی رسیده است. روش‌شناسی این پژوهش مبتنی بر بررسی تطبیقی برای یافتن خاستگاه فکری، و سپس مطالعهٔ توصیفی برای شناسایی فرم روایی *هزار و یک شب* است.

در این جا اگر به مرورِ تاریخ، اساطیر یا خاستگاه‌ها و ریشه‌ها برمی‌گردیم، به‌دنبال یافتن ویژگی‌هایی هستیم که می‌توانند به ما نشان دهند بن‌مایه‌های این اثر ماندگار از کجاست، این نه به‌نوشدن، و امکانِ اکنونیت پدیدهٔ *هزار و یک شب* چه فرایندی داشته، و این اثر چگونه توانسته است به‌مثابه گفتمانی مردمی و فراگیر پیوندهایش را با گفتمان‌های دیگر، و باورهای جهان پیرامونش برقرار کند.

فرضیه‌ای که این پژوهش بر آن استوار گردیده، این است که بن‌مایه و ساخت‌مایه‌ای که *هزار و یک شب* با تکیه بر آن‌ها بنا شده، همان است که پدیده‌های گفتمانی و ارتباطی کل جامعهٔ خاستگاه آن را سامان می‌دهد. از این‌رو، کهن‌ترین آثار باقیماندهٔ دینِ ایرانی، و بن‌اندیشه‌های تکرارشوندهٔ اوستایی بیش از هر چیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای یافتن پیش‌نمونه‌هایی از شهرزاد، و بازیابی سنتِ گفت‌وگویی که *هزار و یک شب* می‌توانسته بر آن استوار شود، [و یا بن‌مایه‌ها و سازه‌های نخستین *هزار و یک شب* را تبیین کرده باشد]، ابتدا در کهن‌ترین بازماندهٔ گفتمان و ادبیات ایرانی و به‌ویژه متونِ دین اوستایی جست‌وجو شده است.

در *بندهش*، اورمزد آفریدگان را می‌آفریند تا در نبردی همیشگی با اهریمن باشند. این آفرینش با زمان آغاز می‌شود. ولی چه چاره که اهریمن نیز با

www.ketab.ir

آفرینش زمان به جنبش درمی‌آید و بر این اهریمن تنها با کارچار [karchar = کار + چاره‌مندی = کارزار] می‌توان غلبه کرد. این اشاره‌ای است به بنیادی‌ترین اندیشهٔ ایرانی؛ زندگی در همانندی با آفرینش، و توأمان با نبرد است.

یافتن پیش‌نمونه‌هایی از شهرزاد در اساطیر و متون دین ایرانی، که دارای خویشکاری‌ای همانند با او باشند در پرتو مقایسهٔ بن‌اندیشه‌های شهرزاد و همانندانش میسر شده است که فصل یکم به آن اختصاص یافته است. در فصل دوم چیستی گفت‌وگوی ایرانی و همانندی‌های گفت‌وگو و روایت‌گری اوستایی با گفت‌وگو و روایت‌گری در نمونه‌ای حماسی (*شاهنامهٔ* فردوسی)، و نمونه‌ای خیالگرانه (*هزار و یک شب*) گزارش شده‌اند. فصل سوم به روایت‌شناسی *هزار و یک شب* پرداخته است و در فصل چهارم ریختار کلی روایت‌ها، روایت‌گری، چگونگی پیوند داستان‌ها، گونه‌های داستان، و ترتیب به‌کار رفتن فنون روایتی، در فهرستی تنظیم شده که در نوع خود منحصربه‌فرد است و راه‌گشای پژوهش‌های فنی پس از خود خواهد بود. فصل پنجم یا فصل پایانی اختصاص به زنان و نقش و کارکرد آن‌ها در *هزار و یک شب*، واکاوی نقشِ ویژه، و رازهای شهرزاد دارد. برای آگاهی بیش‌تر و نیز فراهم‌آوردن زمینه‌ای برای آشنایی بیش‌تر با موضوعات هر فصل، پیوست‌هایی در پایان آمده است که در جای خود روشنگر و مفید خواهد بود و دسترسی خواننده را به زمینه‌های پژوهش آسان‌تر خواهد کرد.

برای گزینش نمونه‌ای از *هزار و یک شب*، پس از مقایسهٔ سیصد شب از داستان‌های آغاز، میانه و پایان در نسخه‌های علی‌اکبر علمی چاپ ۱۳۲۸، جلال ستاری چاپ ۱۳۵۶، و موسی فرهنگ چاپ ۱۳۳۷، نسخهٔ انتشارات هرمس ۱۳۸۳، که از برابری همین نسخه‌ها به‌دست آمده بود برای کار انتخاب گردید. ولی برای آسانی استفاده، از آوردن شمارهٔ صفحه پرهیز گردیده، و داستان‌ها با شماره و شبِ روایت مشخص شده‌اند.

برای جست‌وجوی همانندهای شهرزاد، آغازگر و راوی داستان‌های *هزار و یک شب*، با پیش‌نمونه‌هایش دو ویژگی در نظر بوده‌اند. نخست پیوند میانِ

www.ketab.ir

بن‌اندیشه‌های *هزار و یک شب* و خویشکاری سخن‌پردازانهٔ شهرزاد است که بر این اساس، جست‌وجویی تطبیقی میان *هزار و یک شب* و کهن‌ترین متون ایرانی [مانند: گاهان اوستایی، *زند* و *پازند*، تفسیرهایی چون *بندهش*، *ارداویراف‌نامه*، *گزیده‌های زات‌اسپرم*، وندیداد و متن‌های پهلوی] صورت گرفته است. دستاورد این جست‌وجوی تطبیقی، گزارش ویژگی‌های گفتمان، گفت‌وگو و روایت‌گری ایرانی از اوستا تا پس از آن است. و سپس در پی پاسخ به این پرسش بوده‌ایم که آیا گسترشِ این سنتِ گفتمانِ روایی همان است که در *هزار و یک شب* به شکل فنونِ رواییِ داستانی آشکار گردیده است؟

در مقایسهٔ *هزار و یک شب* و متون باستانی یادشده چند پرهیز روش‌شناسانه به کار برده‌ایم:

پرهیز یکم ـ در پاره‌ای که به گزارش ریختار *هزار و یک شب* پرداخته است، از تحلیل مفهوم‌شناسانه یا معناانگارانهٔ رویدادها و کنش‌های اشخاص داستان، شهرزاد یا زنان *هزار و یک شب* پرهیز شده است، ولی در پرتو این توصیفِ ریخت‌شناسانه، در فصل‌های سوم و پنجم، بخشی از رازها و ایده‌های پنهانِ *هزار و یک شب* که دستاورد فنون روایت‌گری شهرزاد هستند، در جای خود، آشکار گردیده‌اند.

یافتن خاستگاه فرهنگی *هزار و یک شب* از این‌رو دشوار است که این متن بزرگ، آمیزه‌ای چندفرهنگی است و علامت‌ها، نام‌ها، اشارات مکانی، تاریخی و جغرافیایی آن نشان‌دهندهٔ گسترهٔ فرهنگی چند قاره‌ای است. آرایه‌ها و نشانه‌هایی که *هزار و یک شب* در سفر به کشورها و فرهنگ‌های گوناگون به خود پذیرفته است اکنون نمی‌توانند معیاری برای هویت آن باشند. پس باید پیشاپیش از متن *هزار و یک شب* پیروی کنیم و بپذیریم با پدیده‌ای چند فرهنگی و چند صدایی روبه‌روییم. در این مرحله، جدال بر سر هویت این اثر بی‌حاصل است. هر چند برخی همین اشاره‌های تاریخی و آرایه‌ها را مبنایی برای تشخیص خاستگاه *هزار و یک شب* قرار داده‌اند، و حتی گاه تنها با تکیه بر نام و صفات اشخاص در داستان‌ها، *هزار و یک شب*

www.ketab.ir

را دستاورد گرایشات دینی (اسلام، مسیحیت، یهود) دانسته‌اند.

مرینا وُرنر[1] *هزار و یک شب* را صحنهٔ مرزبندی اسلام و مسیحیت، و عرصهٔ بده‌بستان‌های پردامنهٔ تجاری، فرهنگی و نوعی تاریخ‌نگاری هر یک از این ادیان می‌داند. (Werner, 2003: 30) ریچارد گاتهایل[2] و یوزف یاکوبس[3] بیست‌وپنج داستان را تمام و کمال یهودی معرفی کرده‌اند. این دو پژوهنده، بر اساس شباهت‌هایی میان استر[4] و شهرزاد، سهم یهود را در *هزار و یک شب* از بخش داستان‌های عربی-مصری (هارون‌الرشید، برمکیان) جدا کرده‌اند.

در پژوهش‌های یادشده، نام‌ها و نشان‌های تاریخی و جغرافیایی که همگی می‌توانند آرایه‌های افزوده‌شده بر *هزار و یک شب* باشند، مبنایی برای شناخت خاستگاه آن قرار گرفته‌اند. و بر همین اساس است که این کشمکش‌ها سست‌اعتبارند.

پرهیز دوم ـ آن‌چه مبنای این پژوهش قرار گرفته، نه علایم و نام‌های تاریخی، که بن‌اندیشه‌ها و بنیان‌های اندیشه‌ورزانه‌ای است که سازندهٔ *هزار و یک شب*‌اند. از این‌رو، روش کار در بخش جست‌وجوی خاستگاه‌های *هزار و یک شب*، همزمان با دوری‌جستن از این نشانه‌ها و آرایه‌های افزودنی، و پرهیز از درافتادن در موضوع داستان‌ها و کاوش گزاره‌های گفتاری، تمرکز بسیار بر بنیانِ کردارِ شهرزادِ روایت‌گر بوده است (فصل‌های یکم و دوم). در بخش توصیف ریختاری *هزار و یک شب* (فصل‌های سوم، چهارم و پنجم) همزمان با دوری‌جستن از تحلیل، تنها سازه‌های داستانی و فنون روایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

نویسندگانی که از هزار و یک شب تأثیر گرفته‌اند

از میان نویسندگان غربی، می‌توان نام کسان بسیاری را برد که از *هزار و یک*

---

1. M. Warner
2. R. Gottheil
3. J. Jacobs
4. Esther

www.ketab.ir

شب تأثیر پذیرفته‌اند و ریخت ویژهٔ روایی آن در آثارشان نمایان گردیده است.[۱] از میان نویسندگان عرب و نویسندگان افریقایی نیز بسیاری چنین کرده‌اند.[۲]

پژوهشگرانی هستند که با نگرهٔ «*هزار و یک شب* به‌مثابه بخشی از ادبیات عرب» به کندوکاو آن پرداخته‌اند.[۳]

از سوی دیگر پژوهش‌هایی فمینیستی نیز بر اساس *هزار و یک شب* صورت گرفته است[۴]:

یکی از تازه‌ترین پژوهش‌ها دربارهٔ *هزار و یک شب*، دانشنامه‌ای است که

---

۱. مانند گوته (Goethe)، ادگار الن پو (E.A. Poe) [با نوشتن: شب هزار و دوم، ۱۸۴۵] سر والتر اسکات (S.W. Soit)، ویلیام تکری (W. Thackeray)، گوستاو فلوبر (G. Flaubert)، استاندال (Estendhal)، ژرار دو نروال (G.D. Neral)، اچ. پی. لاورکرافت (H.P. Lovercraft)، جان سیمون بارت (J. Simmons Barth)، ا. اس. بایات (A.S. Byatt)، خورخه لوئیس بورخس (J.L. Burgess).

۲. مانند طاها حسین، نجیب محفوظ، امیل حبیبی، جبران خلیل جبران، ادوارد الخراط، جمالی القبطانی، ایلیاس الخوری، نوال السعداوی، و از میان نویسندگان افریقایی: طاهر بن‌جلون، لیلا سبار.

۳. میا گرهارت (M. Gerhardt) (*هنر داستان‌سرایی*، ۱۹۶۳، لندن)، فریال قزول (F. Ghazoul) (*اشعار شبانه*، ۱۹۹۶، قاهره)، پیتر هیث (P. Heath) (*ژانر عاشقانه در هزار و یک شب*، ۱۹۸۷، لندن) محسن مهدی (*هزار و یک شب*، سه جلدی، ۱۹۹۴، لندن) داگلاس مالتی (D. Malti) (*تن زن، کلام زن: جنسیت و گفتمان در نوشته‌های عرب اسلامی*، ۱۹۹۲، پرینستون و نیز: *شهرزاد فمینیست؛ هزار و یک شب در جامعه و ادبیات عرب*، ۱۹۹۷، کیمبریج) ساندرا نداف (S. Naddaf) (*ساختار روایی و زیباشناسی حربانهٔ هزار و یک شب*، ۱۹۹۴، اونتون)، رابرت ایروین (R. Irwin) (*اندیشه‌های سیاسی، اسلامی در هزار و یک شب*، ۲۰۰۴، دیترویت).

۴. زوزانه اندروبتس (S. Enderwitz) (*شهرازه، یکی از ما*، ۲۰۰۴، دیترویت)، دنیل بومنت (D. Beaumont) (*رابطهٔ بینامتنی شب‌های عربی و زنانگی*، ۱۹۹۸، لندن) کارولین وب (K. Web) (*رویکردی فمینیستی به هزار و یک شب*، ۲۰۰۳، هکات) مرینا وُرنر (M. Werner) (*میراث شهرزاد؛ هزار و یک شب داستان‌سرایی عربی*، ۲۰۰۳، لندن) و...

www.ketab.ir

اولریش مارتسولف[1] با همکاری ریچارد وان لوون[2] در دو جلد با نام ***دانشنامهٔ شب‌های عربی*** به چاپ رسانده‌اند.[3]

تنها پژوهش ترجمه‌شده به فارسی، ***تحلیلی از هزار و یک شب*** نوشته رابرت ایروین است که داستان‌ها را بر حسب موضوعات بخش‌بندی کرده و اشارات بسیار ارزنده‌ای به موضوعات داستانی و نشانه‌های تاریخی [و باز نیز عربی] ***هزار و یک شب*** داشته است.

پژوهش‌های ایرانیان دربارهٔ ***هزار و یک شب*** بسیار دیر هنگام صورت گرفته‌اند. این پژوهش‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: دستهٔ نخست برخوردهای تحلیلی با ***هزار و یک شب*** داشته‌اند مانند: **عشق و شعبده**، نوشتهٔ نغمه ثمینی، و **افسون شهرزاد**، نوشتهٔ جلال ستاری. هر دو پژوهش زمینه‌های آشنایی با دایرهٔ بزرگی از داستان‌ها را فراهم آورده‌اند و با برخورد تحلیلی-موضوعی، تفسیرهای درخور توجهی از داستان‌های ***هزار و یک شب*** به‌دست داده‌اند.

دستهٔ دوم پژوهش‌های بهرام بیضایی و فریدون جنیدی هستند که با مد نظر قرار دادن داستان آغازین (پیش‌داستان با داستان بنیادین) به

---

1. Ulrish Marzolph
2. Richard Von Leeuwen

۳. این دانشنامه در سه بخش پرداخت گردیده است:

الف) کوشش‌های پیشینی: که گردآوری‌ای از نوشتارهای پژوهشگرانی با نگره‌های گوناگون دربارهٔ ***هزار و یک شب*** است.

ب) فهرست الفبایی و چکیده‌ای از داستان‌های ***هزار و یک شب***.

ج) جهان شب‌های عربی: که دربردارندهٔ فهرست الفبایی از موضوع‌ها، سر واژه‌ها، نشانه‌ها، اشخاص، زمینه‌های داستانی و معرفی آثاری است که بر اساس ***هزار و یک شب*** نوشته شده‌اند. در این بخش، بهرام بیضایی تنها ایرانی‌ای است که به‌سبب نمایشنامه‌اش، هشتمین **سفر سندباد**، از او یاد شده است.

در این دانشنامه نیز همهٔ نشانه‌ها، علائم، نام‌ها، موضوع‌ها، آداب، سنن و فضای داستانی در زمینهٔ فرهنگ و جامعهٔ عرب، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

www.ketab.ir

جست‌وجوی پیش‌نمونه‌ای اسطوره‌ای برآمده‌اند و اسطورهٔ ضحاک را خاستگاه *هزار و یک شب* دانسته‌اند. جلال ستاری نیز در پژوهشی دیگر (جلد دهم از *جهانِ اسطوره‌شناسی: اسطوره‌های ایران*) اسطورهٔ ضحاک را اسطورهٔ بنیادین نامیده است.

در این پژوهش، جست‌وجو برای یافتن همانندی میان *هزار و یک شب* و اساطیر و ادبیات کهن ایرانی، بر این ویژگی‌ها استوار است:

یکم) بن اندیشه‌های مشترک.

دوم) خویشکاری سخن‌ورانه و زنانهٔ شهرزاد.

سوم) همانندی‌های فنی، ریختاری و ساختاری، یعنی:

الف) دوری جستن از بخش‌بندی موضوعی و تحلیل موضوعی یا تماتیک اجزا و پاره‌های داستانی *هزار و یک شب* و به‌جای آن، پرداختن به توصیف بیرونی‌ترین نشانه‌ها و ساختمان روایت.

ب) پافشاری بر اهمیت داستان آغازین و شرایطی که شهرزاد در آن دست به روایت‌گری می‌زند، زیرا شناختِ کردارِ شهرزاد، و به پیروی از آن، روایت‌گری او، وابسته به درک شرایط خوابگاه شاهِ زن‌کش است.

ج) تأکید بر زنانگی کنشِ سخن‌ورانهٔ شهرزاد. هرچند سخنوری شهرزاد نشان از سنتِ گفتمان، ارتباط و گفتار ایرانی دارد، ولی این گفتمان در گسترشِ به‌شکل داستانی و روایی، دستاورد فن‌ورزی شهرزاد، و بازتاب زنانگی او در روایت‌گری است. از آن‌جا که زنانگی در خطر، یا انکارشدهٔ شهرزاد، زاییدهٔ موقعیتی‌است که او در آن برای «پس‌راندن مرگ» چاره‌ای جز داستان‌گویی ندارد، «پس‌راندن مرگ» موضوع داستان‌های شهرزاد نیست. شهرزاد در شرایطی به‌سر نمی‌برد که بتواند در آن با خودش یا جهانش به‌مثابه یک ابژه برخورد کند. زیرا هر بامداد می‌تواند بامدادِ مرگ او باشد. در این غرش دمادم مرگ، خود شهرزاد بازیچهٔ مرگ است. انکار زنانگی شهرزاد، او را به کالایی مردنی کاهش داده است. در جهانی با این منطقِ

www.ketab.ir

کاهشی، شهرزاد هرگز تلاشی برای کاستن از این جهان کاهش‌یافته نمی‌کند. از این‌روست که داستان‌ها خودِ شهرزادند، عین عمل و وجودِ اویند، نه موضوع یا معنای عمل او. داستان‌گویی و روایت‌گری، و تودرتو ساختنِ جهانِ داستان‌ها تبلور خویشکاری شهرزادند و از این دیدگاه نگریسته شده‌اند.

«در سال ۱۹۲۹ ویرجینیا ولف اهمیت شکستن توالی و پیوستگی رویدادهای داستان را مورد توجه قرار داد. او روایت‌گری و داستان‌پردازی متعارفِ بخش‌بندی‌شدهٔ قابل پیش‌بینی (خطی) را همانند یک نظم مردسالارانه می‌دید. در سال‌های پایانی سدهٔ بیستم بود که نظریه‌پردازان فمینیستی مانند لوس ایری‌گارای[1] و الن سیکسو[2] که به‌دنبال راه‌هایی برای نشان‌دادن استراتژی قاعده‌مند مردسالارانه در ادبیات بودند، تلاش کردند نوشته‌هایشان فرمی زنانه داشته باشد. ولی حتی در دوران شکوفایی گرایش به رویکردهای فمینیستیِ آثار ولف، برای مثال تا ۱۹۷۰، تندروی و پافشاری بر موضوعِ گرایش سیاسی او، باعث شد که توجه به فرم داستان‌های او به فراموشی سپرده شود. در حالی که ایده‌های زنانهٔ ولف، نه در موضوع داستان‌ها، که در فرم داستانیِ شکسته شده و ناپیوستهٔ رویدادها نهفته بود.»
(Webb, 2003: 133)

1. Luce Irigaray
2. Helene Cixous

www.ketab.ir